

بررسی ابعاد حقوقی خسارت معنوی ناشی از جرم

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 – 1477

ISC.SID.NOORMAGZ.MAGIRAN
GOOGLESCHOLAR.ENSANI
www.jaml.ir

سال پنجم، شماره ۲۰،
صفحات ۱۴-۱

کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، رشته جزا و جرم شناسی

حسام شاهین گلزار

استادیار حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

دکتر مرتضی اسدلو

چکیده

خسارت معنوی یکی از مهمترین اقسام خسارت می‌باشد و مشمول این قاعده کلی است که هر نوع خسارت نامشروع و نامتعارف باید توسط عامل ایجاد آن جبران شود و هیچ ضرری بدون جبران باقی نمی‌ماند. بنابراین لازم است علاوه بر ضررهای مادی، ضررهای معنوی وارد به اشخاص نیز مورد حمایت قانون بوده و وارد کننده ضرر ملزم به جبران شود. خسارت معنوی متوجه بعد معنوی شخصیت انسان از قبیل شرافت، کرامت، آزادی، شهرت و ... می‌شود. در شرع مقدس اسلام با توجه به قاعده لاضرر و لاضرار فی الاسلام ایراد هرگونه خسارت به طور مطلق نهی شده است که خود مبنای جبران خسارت معنوی می‌باشد. علاوه بر قاعده لاضرر، پیشبینی دیه در مورد صدمات جسمانی منجر به خسارت معنوی لازم می‌باشد عقلا نیز به جبران خسارت معنوی وارد شده بر اشخاص حکم می‌کنند. چراکه عدم پرداخت خسارات مادی و معنوی به نظر عقلا ظلم بوده و ظلم نیز در نظر خداوند امری قبیح می‌باشد، پس حکم به عدم جبران خسارت معنوی از جانب خدا قبیح است. تعیین و ارزیابی خسارت معنوی به راحتی خسارت مادی نخواهد بود. صدمه به حیثیت و اعتبار اجتماعی و عزت و احترام اشخاص از مصادیق خسارت معنوی محسوب می‌شود و برای رفع آثار این صدمات و جبران آن به گونه‌ای که رضایت زیان‌دیده را تا حدودی برآورده سازد، مجازات تعیین شده است و آن را به عنوان تعزیر در اختیار حاکم قرار داده است. به دلیل ماهیت غیر مادی و نامحسوس این خسارت و عدم ارزیابی و تعیین میزان دقیق آن و فقدان ملاک و رابطه مشخص برای سنجش میزان خسارت و ارتباط مستقیم با شخصیت و جایگاه اجتماعی اشخاص و ارزش اجتماعی و کم سابقه بودن جبران مادی این خسارت‌ها، تمایل به مطالبه خسارت جبران مالی این خسارت‌ها کمتر وجود داشته است. لذا در پایان‌نامه حاضر سعی بر این است تا با روش توصیفی-تحلیلی، ابعاد حقوقی خسارت معنوی ناشی از جرم را مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

واژگان کلیدی: خسارت، خسارت معنوی، ضرر و زیان، زیان‌دیده، جرم

طبقه‌بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC, SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

fifth year, Issue 20

Pages 1-14

Examining the legal dimensions of moral damages resulting from crime

Hessam Shahin Golzar Master's degree, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Criminal Justice and Criminology
Dr. Morteza Asadlo Assistant Professor of Private Law, Islamic Azad University, Tabriz Branch

Abstract

Moral damage is one of the most important types of damage and is subject to the general rule that any type of illegitimate and unusual damage must be compensated by the person who caused it and no damage remains uncompensated. Therefore, in addition to material damage, moral damage caused to individuals is also protected by law and the person causing the damage is required to compensate. Moral damage affects the spiritual dimension of human personality such as honor, dignity, freedom, reputation, etc. In the holy law of Islam, according to the rule of no harm and no harm in Islam, causing any damage is absolutely prohibited, which is the basis for compensating for moral damage. In addition to the rule of no harm, it is necessary to provide for blood money in the case of physical injuries that lead to moral damage. Reason also dictates compensation for moral damage caused to individuals. Because failure to pay material and moral damages is considered injustice in the eyes of reason, and injustice is also an abomination in the eyes of God, so the ruling not to compensate for moral damage by God is abomination. Determining and assessing moral damage will not be as easy as material damage. Damage to the social reputation and reputation and the dignity and respect of individuals are considered examples of moral damage, and in order to eliminate the effects of these damages and compensate them in a way that satisfies the victim to some extent, punishment has been determined and has been made available to the ruler as ta'zir. Due to the immaterial and intangible nature of this damage, the lack of evaluation and determination of its exact amount, the lack of a specific criterion and relationship for measuring the amount of damage, and the direct connection with the personality and social status of individuals and the social value, and the rarity of material compensation for these damages, there has been less desire to demand financial compensation for these damages. Therefore, in this thesis, we attempt to discuss and examine the legal dimensions of moral damage resulting from a crime using a descriptive-analytical method.

Keywords: Damage, moral damage, loss, injured party, crime

مقدمه

با وجود آنکه انسان دارای دو بعد مادی و معنوی می‌باشد اما حقوق صرفاً به بعد مادی انسان می‌پردازد و با اهمیت دادن به این جنبه در پی دستیابی به اهداف بزرگی همچون حفظ نظم، استقرار عدالت و پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی است. بر این اساس قانون‌گذار بخش بزرگی از توجه خود را معطوف به بخش خسارت‌های مادی نموده و در مسئله مهم و خسارت‌های معنوی غافل مانده است. خسارت معنوی یکی از مهم‌ترین اقسام خسارت است و می‌توان در مسائل حقوقی مصادیقی از خسارت معنوی را یافت که غالب این خسارت‌ها از یک موضوع کیفری نشأت گرفته که ریشه در جرم دارند. از نظر اسلام خسارت معنوی در جنبه‌های گوناگون آن یعنی صدمات جسمی و روحی، لطمه‌های حیثیتی و شخصیتی تا حدی که امکان دارد، قابل جبران است. در حقوق ایران جبران خسارت معنوی مورد اشاره قرار گرفته است اما با این وجود هنوز شرعی بودن یا نبودن مطالبه چنین خسارتی و همچنین نحوه جبران آن مورد اختلاف است. این در حالی است که بخش مهمی از ضرر و زیان‌های وارده به اشخاص در اثر جرم را تشکیل می‌دهد. در قانون اساسی ایران از جمله اصول ۳۹ و ۴۰ ایراد هرگونه ضرر و زیان به طور کلی ممنوع شده است. در قوانین عادی نیز در مواد ۱۰ و ۹ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی به موضوع خسارت معنوی اشاره شده است.

جرایمی که در کتاب قانون مجازات برای آنان علاوه بر خسارت مادی، خسارت معنوی نیز در نظر گرفته شده است، همگی بیانگر آن است که قانونگذاران ما به این بعد از ابعاد وجودی انسان (بعد معنوی) توجه نموده‌اند و آسیب به آن را

در ردیف آسیب و لطمه به بعد مادی انسان دانسته‌اند، اما توجه صرف کافی نیست. البته ایجاد تعادل با ارزیابی دقیق تمامی عناصر موثر در ایراد خسارت معنوی بسیار دشوار است ولی نباید فراموش کرد که دشواری اجرای اصل بنیادینی چون عدالت نباید عدم اجرای آن اصل باشد. خسارت معنوی ناشی از جرم معمولاً بطور نسبی قابل جبران می‌باشد، اما حقیقت آن است که غالباً تعیین و تقویم آن امری دشوار است و تعیین دقیق خسارت‌های معنوی با ابزار و میزان‌های مادی کاملاً ممکن نیست.

۱-۱- مفهوم و تعریف جرم از دیدگاه حقوقدانان
جرم، رفتاری مغایر با نظم و ارزش‌های جامعه شناخته شده و هدف قانونگذار از تعریف جامع و مانع برای جرم، برقراری نظم در جامعه و جلوگیری از رفتار مجرمانه است. حقوقدانان کشورهای مختلف جرم را تقریباً به یک شکل تعریف نموده‌اند. به اعتقاد گروهی، جرم «فعل یا ترک فعلی می‌باشد که از نظر خارجی به نظم، صلح، آرامش لطمه وارد می‌کند و قانون به جهت مجازات و ضمانت اجرایی برای آن فراهم می‌سازد» و یا در اندیشه برخی «فعل یا ترک فعلی می‌باشد که توسط قانون پیش بینی شده و مجازات بر آن تعلق گرفته و قابل استناد به آن است». همچنین، برخی حقوقدانان بر این باور هستند که «جرم عبارت است از مخالفت با نهی که قانون برای آن مخالفت مجازات معین نموده باشد». جرم براساس ترمینولوژی حقوق جزا عملی می‌باشد که قانون آن را از طریق کیفر منع کرده است. ایضاً اینکه، تعریف جرم طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ بدین شرح است: «هر فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود». همچنین لازم به ذکر است که نکاتی بیان گردد از جمله اینکه، ۱- چنانچه نص

است. جبران خسارت ممکن است ناشی از یک عمل مربوط به مسئولیت مدنی یا در نتیجه نقض قرارداد باشد.

در خصوص مفهوم اصطلاحی خسارت و ضرر؛ بیان گردیده که « هر جا که نقصی در اموال ایجاد شود یا منفعتی مسلم از دست برود و یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخص لطمه ای وارد آید می گوید ضرری به بار آمده است. کاستن از دارایی مشخص و پیشگیری از فزونی آن به هر عنوان که باشد اضرار به اوست.

حال که با مفهوم خسارت آشنا شدیم در این قسمت از رساله انواع خسارت که اعم از خسارت مادی، خسارت معنوی و خسارت بدنی را یکایک مورد بررسی و تحلیل قرار می دهیم.

-خسارت مادی

در قوانین و مقررات مدون ایران از جمله قانون مدنی، قانون مسئولیت مدنی و قانون آیین دادرسی مدنی اصطلاح خسارت مادی تعریف نشده است. برخی خسارت مادی را اینگونه تعریف کرده اند: «ضرر و زیان مادی می تواند به کسر ثروت و دارایی تعریف شود».

این تعریف دارای ایراد می باشد چراکه این تعریف مانع از ورود اغیار نمی باشد زیرا هر نوع کسر دارایی را شامل می شود حال آنکه ضرر مدنظر قانون گذار

قانونی وجود نداشته باشد، نمی توان هیچ عملی را جرم محسوب نمود^۲-جرم تنها شامل افعال خلاف نیست، بلکه ترک فعلی که به موجب قانون ممنوع باشد، نیز جرم محسوب می شود(اسدپور، ۱۳۸۸: ۱۸).

۱-۲- مفهوم و تعریف خسارت و انواع آن

به منظور ایجاد معرفت علمی به هر اصطلاحی و آشنایی با آن لاجرم می بایست بدو معنای لغوی آن اصطلاح را دریابیم بدین منظور در بدو امر معنای لغوی خسارت را بررسی می کنیم که خسارت به معنای ضرر کردن، زیان بردن، زیان کاری، زیان مندی آمده است. (معین، ۱۳۸۶، ۱۴۱۹)

همچنین خسارت در فرهنگ لغت دهخدا به معنای گمراهی، خساره، هلاکی، زیانکاری و زیان یافتن تاجر در تجارت و مغبون شدن او بیان گردیده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۵۲۳)

در حقوق انگلستان از واژه "دمیج"^۱ برای بیان مفهوم خسارت به معنای ضرر و زیان و لطمه و صدمه بدنی و هر گونه آسیب استفاده می شود اما واژه مذکور برای بیان تاوان و غرامت مالی و در حقیقت هر آنچه برای جبران ضرر وارده به زیان دیده پرداخت می شود به کار می رود. یکی از نویسندگان حقوقی در کشور انگلستان خسارت را نوعی جبران ضرر وارده می داند که پرداخت مبلغی پول یا غرامت به واسطه طرح دعوی و صدور حکم به نفع خواهان

¹ - Damage

آتش سوزی از بین رفته است (امامی، ۱۳۵۶، ۴۰۷) از بین رفتن منفعت: نفع دارای انواعی است از جمله منفعت محقق و آن منفعتی است که هرگاه فعل معین موجود نمی‌گشت محقق آن منفعت به متضرر می‌رسید و فعل مزبور علت منحصر نرسیدن منفعت شده است مثلاً چنانچه کسی در خیابان در جلوی گاراژ دیگری جوی عمیقی بکند و مانع از خروج اتومبیل کرایه بشود کننده جوی مانع رسیدن منفعتی شده است که اتومبیل از کار کردن به دست می‌آورد (همان، ۴۰۹).

منفعت محتمل و آن عبارت از منفعتی است که هرگاه فعل معین موجود نمی‌گشت احتمال داشت که آن عاید طرف گردد، فاعل ضامن منفعت مزبور نخواهد بود زیرا رابطه علت بین فعل و عدم پیدایش منفعت موجود نیست، و بر فرض هم که فعل ایجاد می‌گشت احتمال داشت منفعت حاصل نشود. مثال موزع روزنامه‌ای را که در آن اعلان مزایده ملکی درج شده است به مشترک آن روزنامه نمی‌رساند و او در مزایده شرکت نمی‌کند.

از بین رفتن حق: حق در معنای عام توانایی خاصی است که برای کس یا کسانی نسبت به شخص یا چیزی اعتبار شده و به مقتضای این توانایی، صاحب حق می‌تواند در متعلق آن تصرف کند یا از آن بهره‌برگردد پس حق نوعی سلطنت و استیلا برای انسان بر چیزی دیگر است خواه آن چیز که متعلق حق قرار می‌گیرد مال باشد یا انسان. حق به معنای خاص عبارت است از توانایی خاص برای انجام دادن عملی که گاهی به این و گاهی به عقل و گاهی به

کسر دارایی است که از ناحیه ثالث (غیر از مالک) به طور غیرمجاز وارد شده و ناشی از عمد یا بی‌احتیاطی باشد و نیز این قانون به این حق مشروعیت و رسمیت بخشیده باشد. درحالی که این تعریف ضررهای وارده از ناحیه خود مالک نیز شامل می‌شود.

حال که به ایراد تعریف قبل پی بردیم تعریف دیگری از خسارات مادی بیان می‌کنیم «ضرر مادی ضرری است که قابل تقویم به پول باشد و می‌تواند به شکل از بین رفتن شی و یا عدم‌النفع باشد» (میشل، ۱۳۷۵، ۱۰۵). تعریف اخیر نیز دارای ایراد است چرا که ضرر وارده از ناحیه خود زیان‌دیده را نیز شامل می‌شود علاوه بر آن عدم‌النفع را نیز در ردیف خسارت ذکر می‌کند در حالی که به موجب ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی عدم‌النفع جز در موارد قانونی قابل مطالبه نیست در رفع این ایراد می‌توان این تعریف را ارائه داد خسارت مادی را می‌توان به ضرر و زیان وارده از ناحیه ثالث به عمد یا از روی بی‌احتیاطی به اموال و حقوق مالی که موجب کسر دارایی زیان‌دیده شده و قابل تقویم به پول باشد و نیز خسارت را می‌توان به جبران زیان وارده تعریف کرد. خسارت مادی در معنای اول دارای انواع مختلفی است که در ذیل به بیان آن پرداخته می‌شود.

از بین رفتن مال: تلف مال عبارت از نابود شدن مالی است که قبلاً موجود بوده مثلاً کسی خرمن زارعی را آتش می‌زند و آن را می‌سوزاند خرمن قبل از آتش زدن در ملکیت زارع بوده و بواسطه

عنصری از احساسات مربوط به زندگی شخص وارد می‌شود مثل به هم زدن ناموجه قول ازدواج، مرگ همسر یا یک خویشاوند نزدیک و یا ضربه به زیبایی (پروین، ۱۳۷۹، ۱۵).

یکی از اسانید حقوق خسارت معنوی را این‌گونه تعریف نموده‌است: ضرر معنوی یعنی خسارت وارد بر متعلقات غیرمالی انسانی نظیر روان، آبرو و جسم، خسارت معنوی که می‌توان واردکننده آن را محکوم به جبران خسارت نمود عبارت است از خسارت وارد به حیثیت یا اعتبار و شخصیت و خسارت وارد بر جسم، روح و آزادی و به تعبیر ماده یک قانون مسئولیت مدنی هر حق دیگر.

ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی بیان می‌دارد: «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی و خانوادگی او لطمه وارد شود می‌تواند جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد نکته هر گاه اهمیت زیان و تکثیر ایجاب نماید دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی، حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج در جراید و امثال آن نماید» چنانچه بتوان بدین‌وسیله جبران زیان معنوی نمود دادرس می‌تواند مبلغی را که متناسب با ضرر معنوی می‌داند به‌عنوان کیفر مدنی کسی که عمل خلاف نموده معین و مرتکب را محکوم بتأدیه آن به زیان دیده بنماید (نجفی تیر پاشی، ۱۳۹۳، ۲۵).

۱-۳- تعریف خسارت معنوی و انواع آن

شخص تعلق می‌گیرد مانند حق تحجیر حق خیار و حق قصاص (همان، ۲۸۴)

بنابراین با توجه به مطالبی که در خصوص خسارت مادی بیان گردید می‌توان خسارت مادی را شامل از بین رفتن، تلف مال و یا منفعت یا حق مالی دانست همانگونه که ماده ۷۲۸ قانون ایمن دادرسی مدنی ضرر را از دست دادن مال یا فوت منفعتی از عدم انجام تعهد بیان داشته است.

-خسارت معنوی

خسارت معنوی به معنای صدمه و آسیب‌رساندن به منافع غیر مالی و غیر مادی می‌باشد. بنابراین صدمه به عواطف، اعتبارات شخصی، آبرو، حیثیت و صدمات روحی را می‌توان جزئی از خسارت‌های معنوی محسوب نمود.

برخی خسارت معنوی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: خسارت معنوی عبارت است از جریحه‌دار کردن و لطمه زدن به بعضی از ارزش‌ها که جنبه معنوی دارد (ابوالحمد، ۱۳۴۹، ۹).

این تعریف بسیار کلی بوده و مشخصاً به بیان مفهوم خسارت معنوی نمی‌پردازد و مستلزم نوعی دور در درک مفهوم خسارت معنوی و ارزشی معنوی است مطابق تعریف دیگری خسارت معنوی عبارت است از کسر حیثیت یا اعتبار اشخاص یا صدمات روحی (صفایی، ۱۳۵۵، ۲۴۰).

در فرهنگ حقوقی انگلستانی خسارت معنوی ضرری است که به شرافت و اعتبار به وابستگی یا به

یا اعتبار و حیثیت شخص یا جلوگیری از افزایش و یا تکامل آن. البته در علم حقوق خسارات وارد بر مال و خود شخص و ابعاد غیر مالی او مورد نظر است در حالتی که به وسیله دیگری بدون مجوز قانونی و به طور نامتعارف وارد آمده باشد، می‌تواند سبب مسئولیت مدنی عامل زیان گردد.

مضاف براینکه، عنوان خسارت معنوی یک مرکب وصفی است. معنای لغوی کلمه خسارت در مباحث بالا ذکر گردید و کلمه معنوی نیز همانند واژه خسارت از مفاهیم عامه بوده و در نتیجه روشن و بدیهی است. با وجود این، تنها در بند ۲ ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری سابق از خسارت معنوی تعریفی ارائه شده است و در این تعریف نیز برخی از مصادیق خسارت معنوی مورد تصریح قرار گرفته است. تعاریف گوناگونی که از خسارت معنوی در حقوق داخلی و خارجی به عمل آمده است یا ناظر به بیان بعضی مصادیق و انواع آن است یا جامع و مانع نمی‌باشد. یعنی بعضی اقسام خسارت معنوی نظیر صدمات جسمی یا صدمات وارد بر اشخاص حقوقی را در بر نمی‌گیرد و یا آنکه مستلزم دور یا ابهام و اجمال می‌باشد.

۱-۳-۲- انواع خسارت

برای خسارت معنوی به اعتبار منشأ شکل گیری یا متعلق آن می‌توان چهره‌ها و انواع گوناگونی تصور کرد. تفکیک چهره‌های مختلف خسارت معنوی تنها یک بحث نظری نیست بلکه آثار عملی نیز بر آن مترتب است. از جمله می‌توان به نظریه تفکیک امکان جبران نوع یا انواعی از خسارت معنوی و عدم امکان جبران آن در نوع یا انواع دیگر اشاره نمود. همچنین، حقوقدانان وابسته به نظام‌های حقوقی گوناگون جهت وصول به مفهوم و تعریف خسارت معنوی به شمارش مصادیق آن همت ورزیده‌اند. در این بین، برخی نیز به دسته بندی مصادیق در گروه‌های معین و انواع متمایز اقدام کرده‌اند

در این قسمت نخست به توضیح خسارت معنوی و سپس انواع آن می‌پردازیم.

۱-۳-۱- تعریف خسارت معنوی

کلمه خسارت به فتح خاء و راء در زبان فارسی مترادف واژه‌های زیان و ضرر است و به مفهوم از جمله ضرر کردن، زیانکاری، زیانمندی، زیان، ضرر است. به همین جهت، در مفهوم زیان گفته شده است زیان به معنی ۱- ضرر مادی یا معنوی، خسارت مقابل سود و نفع ۲- آسیب، صدمه ۳- نقصان، زیان بردن و زیان رسانیدن است. در معنی کلمه ضرر لغت شناسان نوشته‌اند ضرر عبارتست از: ۱- زیان وارد آوردن ۲- گزند رسانیدن ۳- زیان، خسارت، مقابل نفع ۴- گزند و آسیب. بنابراین، ضرر مفهوم و عنوانی است که شامل موارد، مصادیق و اقسام متفاوت خسارت است. حال چنانچه ضرر به صورت مطلق به کار گرفته شود، می‌تواند شامل همه موارد و اقسام خویش باشد و اگر نوع خاصی از ضرر مورد نظر باشد با پسوندی‌هایی چون مادی، مالی، جسمی و معنوی آورده می‌شود. همچنین، در معنی اصطلاحی خسارت تعریف قانونی ندارد. برخی از حقوقدانان داخلی واژه خسارت و ضرر را مترادف تلقی نموده و یکی را به جای دیگری استعمال نموده‌اند. لذا با توجه به اینکه از خسارت هرکس یک برداشت و فهم عرفی دارد ارایه یک تعریف دقیق آسان نیست چرا که یک مفهوم عام و نسبی است ولی با این وجود تعریف‌هایی از آن ارائه شده است که از جمله این تعریف است که: ۱- زیانی که کسی به مال دیگری برساند ۲- تاوان یعنی مالی که فاعل زیان مالی به غیر بابت جبران به او بدهد. این تعریف ناظر به نوعی از خسارت، یعنی خسارت مالی است و از جامعیت برخوردار نیست. در نتیجه می‌توان گفت خسارت عبارت است از پیدایش هرنوع کاستی در مال یا متعلقات غیر مالی یا تمامیت جسمی و روانی

بعدها انقلاب اسلامی تیر در قانون اساسی در اصل ۱۷۱ و نیز در قانون مجازات اسلامی جبران خسارت معنوی مورد توجه قرار گرفته است.

۲-۱- مصادیق خسارت معنوی

در این قسمت به انواع مختلف مواردی که شامل خسارت معنوی می‌باشند را توضیح می‌دهیم.

۲-۱-۱- خسارت معنوی در روابط زوجین و مسئولیت ناشی از آن

خسارت معنوی واقعه حقوقی می‌باشد که به موجب آن، متعلقات غیرمالی اشخاص و حقوق مربوط به شخصیت آن‌ها آسیب می‌بیند. خانواده بعنوان یک نهاد مهم اجتماعی به دلیل اهداف و ویژگی‌های خاصی که داراست، بیش از هر نظام دیگری در برابر این نوع خسارت، آسیب پذیر و شکننده است زیرا در این نظام، حقوق و تکالیف افراد عمدتاً یا غیرمالی است یا اثرات غیر مالی دارد و آنچه غالباً موضوع و مبتلا به خسارت معنوی قرار می‌گیرد همان چیزی است که برای تحقق اهداف خانواده لازم و ضروری است. روشن است که ورود خسارت معنوی در خانواده، مانند خسارت معنوی موجب مسئولیت عامل زیان می‌باشد. علیرغم محور بودن نظام خانواده، این مسئولیت یک مسئولیت قانونی است. همچنین، مفهوم نهاد خانواده، ارتباط هماهنگ و نزدیکی با ارزش‌های مربوط به حرمت خانواده دارد. پیش فرض این نهاد آن است که خانواده مکانی امن و محیطی طبیعی و آرمانی برای آرامش اعضا و تربیت فرزندان است به همین جهت، این نهاد مقدس، به هر طریق ممکن بایستی حفظ گردد. در چارچوب نظام خانواده، دسته‌ای تعهد و تکلیف معین وجود دارد که به طور مستقیم از طریق قانون و شروط ضمن عقد بر اعضای خانواده خصوصاً زوجین بار می‌شود. بدین صورت که زوجین، در طی انعقاد

و از تقسیم خسارت معنوی با عناوینی چون گروه‌ها، انواع، اقسام و صور خسارت معنوی تعبیر نموده‌اند. در مجموعه قوانین جمهوری اسلامی ایران تنها بند ۲ ماده آیین دادرسی کیفری سابق خسارت معنوی را به دو دسته از جمله ۱- کسر حیثیت و اعتبار ۲- صدمات روحی تقسیم کرده است. مضافاً اینکه، بسیاری از حقوقدانان نیز خسارت معنوی را به دو گروه عمده تقسیم نموده‌اند که آن دو گروه عبارت است از ۱- زیان-های وارد به حیثیت و شهرت و به طور خلاصه آنچه در زبان عرف سرمایه یا دارایی معنوی شخص است. ۲- لطمه به عواطف و ایجاد تعلم روحی که شخص با از دست دادن عزیزان خود با ملاحظه درد و رنج آن‌ها می‌بیند. دردهای ناشی از صدمه جسمی را باید از گروه اخیر دانست. باید توجه داشت که این تقسیم خسارت معنوی ناظر به زیان معنوی وارد به شخص حقیقی است (همان، ۳۴).

۲- پیشینه تاریخی خسارت معنوی در حقوق ایران

در نظام حقوقی ایران، پس از استقرار رژیم مشروطیت و در آغاز تأسیس دادگستری، خسارت معنوی مورد توجه قانونگذار قرار گرفت و نخستین بار در ماده ۲۱۲ مکرر قانون مجازات عمومی مصوب ۷ بهمن ۱۳۰۴ و سپس در ماده ۴ قانون اصلاح بعضی از مواد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۳۲ به هر متضرری این حق را اعطا نموده بود که از دادگاه تقاضای جبران خسارت معنوی کند. این ماده نیز با اصلاح قانون آیین دادرسی سال ۱۳۳۵ نسخ شد. ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری سابق، نیز قابل مطالبه بودن خسارت معنوی را به صراحت بیان داشته و برابر ماده ۸ و ۹ قانون مسئولیت مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ جبران و تدارک ضرر و زیان معنوی قاعده‌مند شده و از توسعه بیشتری برخوردار شد (آخوندی، ۱۳۶۸: ۲۵۵).

های معین به موجب قانون مسئولیت مدنی عامل زیان را بر مبنای تجاوز از حکم قانون مسئول دانسته، و مطالبه خسارت نماید که این امر در نزد برخی حقوقدانان به جمع مسئولیت مشهور می‌باشد (همان، ۱۵۱).

۲-۱-۳- خسارت معنوی ناشی از نقض تعهدات معین از آنجا که قانونگذار تعیین آثار و حقوق و تکالیف ناشی از عقد نکاح را خود به عهده گرفته است، توافق بر خلاف این مقتضیات را نامعتبر می‌داند. در حقیقت، مراد از تعهدات معین در قانون، آن دسته تعهداتی است که یا در قانون ملزم شده یا به صورت شرط ضمن عقد نکاح ایجاد شده است. نوع مسئولیت ایجاد شده، ابتدائاً قراردادی است و ضمان قهری آن زمان مطرح می‌گردد که قانون و شرط ضمنی مقرر بین زوجین، ضمانت اجرایی نداشته باشد. مبنای استنباط اثبات حکم از قاعده لاضرر است (شهسواری و سادات رضوی، پیشین، ۱۵۱).

۲-۱-۴- مصادیق خسارت معنوی وارده به کودک کودکان بعنوان اشخاصی آسیب پذیر همواره در برابر خسارات وارد بر پیکره جسمانی یا روانی‌شان شایسته حمایت‌های ویژه از سوی نظام‌های حقوقی می‌باشند. از خسارات قابل تصور بر کودکان که ممکن است پیامدهای بسیاری در طولانی مدت در زندگی آنها تاثیر بگذارد، خسارت معنوی است. خسارت معنوی وارد بر کودک قلمرو گسترده‌ای را به خود اختصاص می‌دهد و تبعات گوناگونی دارد. برای نمونه می‌توان به خسارت روانی در نتیجه از دست دادن والدین، خسارت روانی ناشی از تولد همراه با معلولیت، محرومیت از آموزش و پرورش، خسارت روانی ناشی از تنبیه جسمانی و سوء استفاده جنسی، آسیب‌های روانی پسا حادثه اشاره نمود (لاله زاری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۵).

عقد نکاح متعهد می‌شوند ضمن ایجاد یک زندگی مستقل، در برطرف کردن نیازهای عاطفی و روحی، روانی یکدیگر بکوشند. این تکالیف را می‌توان از مجموع اصول حاکم بر نظام خانواده و موضوع مواد ۱۱۰۳ و ۱۱۰۴ ق.م. دریافت.

مضافاً اینکه، در کنار این تعهدات معین، یکسری تعهدات کلی وجود دارد که زوجین را نسبت به سلامت خانواده محتاط و متعهد می‌نماید، این قبیل تعهدات غالباً به شکل ارزش‌های اخلاقی جلوه می‌کند و نشأت گرفته از قواعد عام فقه مانند قاعده لاضرر و لاجرح است. در حقیقت، بی توجهی به این ارزش‌های اخلاقی و مصالح خانوادگی و نادیده گرفتن نیازهای عاطفی و توجه صرف به ابعاد مادی زندگی، زمینه ساز نابسامانی‌های خانواده و تصمیم‌گیری‌های ناپخته و عجولانه در نحوه ادامه زندگی می‌شود و خانواده را به پرتگاه سقوط می‌کشانند. ایضاً اینکه، خسارت معنوی، مفهومی عامی می‌باشد که به معنای خسارت وارد بر شخص و متعلقات مربوط به آن که به طور مستقیم جنبه مالی ندارد اعم از روح و جسم و اعتبار و احساسات و عواطف یا هرگونه خسارت غیرمالی بر شخص و حقوق مربوط به آن که محیط خانواده با توجه به ویژگی‌ها و اهداف معنوی که دارد، در معرض شدید چنین آسیب‌هایی است (شهسواری و سادات رضوی، ۱۳۹۴: ۱۴۸-۱۴۷).

۲-۱-۲- مصادیق خسارت معنوی در روابط زوجین نکاح بر خلاف عقود دیگر، تنها عقدی است که در آن طرفین عقد به دور از جنبه‌های مالی آن، برای ایجاد فضای دوستی، محبت و آرامش، تشکیل خانواده می‌دهند. به همین جهت، نقش اخلاق در مدیریت روابط اعضای آن بیش از حقوق است. لذا قانون خانواده فقط در بعضی موارد ضمانت اجرایی مقرر نموده است در نتیجه زیان دیده علاوه بر اجرای ضمانت-

جنبه مالی ندارد، مانند لطمه به روح و جسم، اعتبار، احساسات و عواطف یا هرنوع خسارت و ضرر غیرمالی که به شرافت و حیثیت شخص وارد می‌گردد. رعایت نکردن مصلحت از جانب ولی، استمناعات عام، رعایت ننمودن ممنوعیت استمتاع خاص از سوی زوج از عوامل بروز خسارات معنوی است. اغلب هم با وجود رعایت مصلحت از سوی ولی و رعایت حقوق کودک از جانب زوج یا زوجه وی، نفس تزویج صغار، عاملی برای بروز خسارات معنوی به کودک می‌گردد که احتمال دارد به همین سبب، حکم جواز کودک همسری محل مناقشه واقع شود و مطابق قوانین ایران، به خسارت معنوی عنایت جدی شده و قانونگذار بعضاً خسارت معنوی را از موجبات مسئولیت تلقی کرده و بر لزوم جبران آن تاکید نموده است (همان، ۲۰).

۳- خسارت معنوی ناشی از صدمات جسمانی
گاهی قبل از آنکه جبران خسارت معنوی اتفاق افتد و حکم قطعی در این باره صادر گردد، شخص زیان دیده فوت می‌کند. در این خصوص در مورد حق اقامه دعوی وراثت به قائم مقامی از متوفی برای خسارت معنوی تردیدهایی وجود دارد. همچنین، امروزه بحث‌ها راجع به صدق عنوان ضرر بر خسارت معنوی خاتمه یافته و اغلب نظام‌های حقوقی، نه تنها خسارت معنوی را مصداق ضرر می‌دانند بلکه جبران آن را به پول یا هر وسیله‌ی مناسب دیگر لازم می‌دانند. یکی از عوامل ایجاد کننده خسارت معنوی، صدمات جسمانی است که این خسارت به اقسام گوناگونی تقسیم می‌شود نظیر درد و رنج، قطع امید از زندگی، از دست دادن استعداد و توانایی و قدرت التذاذ از زندگی. گاهی اوقات نیز فرد مجنی علیه در زمان حیاتش برای مطالبه این خسارات اقدامی نمی‌کند و غرامتی دریافت نمی‌دارد، لذا پس از مرگ وی وراثت او درصدد مطالبه خسارت وارد بر مورث خویش بر می‌آیند. از طرف دیگر، گاهی

همچنین، حقوق کودکان طیف گسترده‌ای از جمله حق آموزش و پرورش، حق هویت، حق مراقبت‌های بهداشتی جسمانی و روانی را دربر می‌گیرد. تجاوز و تخلف از این حقوق، آثار مستقیم و غیر مستقیمی را بر حیات روانی و معنوی کودک برجای می‌گذارد. بنابراین می‌توان چنین بیان نمود که شناسایی مصداقی و تمرکز بر ارائه روش‌های قانونی و روانشناسی-اجتماعی کارآمد در جهت حفظ حقوق معنوی کودکان می‌تواند در ردیف اول اولویت‌های قانونگذاری قرار گیرد و از این طریق مشکلات نظام‌های حقوقی در حوزه آسیب‌های مزبور وارده بر کودکان را به حداقل برساند. مضاف براینکه، در حقوق ایران در طول سالیان اخیر مناقشه‌های بسیاری پیرامون قابل جبران بودن یا نبودن خسارت معنوی وجود داشته است. به همین جهت، انتظار وجود قواعد مشخص در رابطه با یکی از موضوعات آن یعنی خسارت معنوی به کودکان، انتظاری دور از ذهن می‌باشد (همان، ۱۷۷).

۲-۱-۵- خسارت معنوی ناشی از کودک همسری
کودک همسری از دیرباز یکی از موضوعات مهم علوم گوناگون، از جمله فقه و حقوق بوده است و در جوامع و دوره-های زمانی مختلف مواجهه‌های مختلفی به فراخور آداب و رسوم و سنت‌ها با این پدیده صورت گرفته است. به دور از موضوع شناسی، مجاز بودن یا نبودن، جرم انگاری شدن یا نشدن این مسئله، کودک همسری به مفهوم ازدواج درآمدن کودکان نابالغ می‌باشد که این پدیده می‌تواند سبب ورود خسارت معنوی به کودک گردد. خاستگاه‌های این خسارات احتمال دارد از سوی ولی یا زوج و زوجه باشد (امراللهی نیا و همکاران، ۱۳۹۹: ۸).

همانطور که قبلاً نیز ذکر شد، خسارت معنوی به مفهوم خسارت وارد بر شخص و شخصیت فرد می‌باشد که مستقیماً

یا خسارت وارد شده بر شخص و حقوق مربوط به شخصیت و آزادی‌های فردی و حیثیت و شرافت و اعتبار او می‌باشد.

هتک حرمت شخص و از بین بردن موقعیت اجتماعی او، اظهارات توهین آمیز کتبی یا شفاهی در حضور یا غیاب او از روی عمد و سوء نیت یا بدون آن مانند نسبت دادن ارتکاب جزایی مثل سرقت، کلاهبرداری، بی‌عفتی و هتک ناموس یا ابتلاء به یک بیماری خاص مثل ایدز یا ناتوانی در انجام و وظایف شغلی و اداری یا تعقیب در کار و تجارت یا سوء استفاده از مقام و موقعیت شغلی یا اجتماعی خود یا از طریق تحقیر و تمسخر، فحاشی، ناسزا، افشا و نشر اکاذیب و گواهی کذب علیه اشخاص، انتشار مطالب ناروا از طریق رسانه‌های گروهی مطبوعات یا کتاب، طرح دعوای بی‌اساس و موهوم، بازداشت و توقیف غیر قانونی یا اخاذی که در اثر اشتباه رخ داده است، اخراج، تبعید، جلب به دادگاه یا به وسیله تحریف یا نقد مغرضانه یک اثر علمی، هنری، ادبی خسارتی بر شهرت و اعتبار یا آبروی شخصی یا خانوادگی شخص وارد شود، مهم-ترین بخش خسارت‌های معنوی را تشکیل می‌دهند.

در صدر ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی آمده است: «کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت یا اعتبارات یا موقعیت دیگری زیان وارد آورد، مسئول جبران آن است».

در ماده ۱۰ همین قانون آمده است: «کسی که به حیثیت اعتبارات شخصی و خانوادگی او لطمه وارد شود، می‌تواند از کسی که ضرر وارد آورده است، جبران زیان مادی یا معنوی خود را بخواهد».

اوقات، در اثر خسارتی که به زیان دیده اصلی وارد شده است، دیگری متحمل خسارت می‌شود و وی درصدد مطالبه خسارت وارد بر خویش برمی‌آید (آجری آیسک، ۱۳۹۵: ۱۳).

التهابه اینکه، خسارت معنوی ناشی از صدمات جسمانی امری پذیرفتنی است ولی درباره امکان اقامه آن توسط وراثت به قائم مقامی متوفی، تردید وجود دارد. به نظر می‌رسد با توجه به ارتباط سرمایه معنوی با شخصیت زیان دیده، این دعوا قابل انتقال نباشد. اما بازماندگان می‌توانند خسارتی را که شخصاً در نتیجه صدمه و مرگ دیگری متحمل شده‌اند، مطالبه نمایند که در کشورهای گوناگون ضوابط خاصی برای تعیین این افراد وجود دارد. دیه فوت که در حقوق ما برای صدمات جسمانی پیش بینی شده است، حداقلی است که شامل خسارت مالی و معنوی شخص وراثت می‌شود و برای مطالبه آن نیازی به اثبات ورود خسارت نیست. همچنین، غیر وراثت هم که از فوت متوفی متحمل زیان معنوی شده‌اند، می‌توانند مطالبه خسارت نمایند. در صدمات غیر کشنده که به زیان دیده اصلی دیه اعضا تعلق می‌گیرد زیان دیدگان تبعی می‌توانند با اثبات ورود خسارت معنوی، آن را مطالبه کنند. آنجا که در حقوق ما ضابطه خاصی برای تعیین دامنه افراد مستحق وجود ندارد، دادگاه‌ها باید دعوای شخصی هر زیان دیده‌ای را که به طور جدی متحمل زیان معنوی شده است، قبول نمایند و در اثبات ورود خسارت سخت‌گیری کنند هرچند خویشاوندان نزدیک از اماره ورود زیان دارا باشند (همان، ۳۳).

۴- نتیجه‌گیری

خسارت معنوی عبارت است از خسارت غیر مالی وارد بر روح، جسم، اعتبار، احساسات و عواطف و اندیشه و هنر شخص

روانی حاصل از حادثه‌ای ظاهر می‌شود و یا بر اثر جریحه‌دار شدن احساسات و عواطف مثل غم و اندوه وارده به شخصی که نزدیکان خود را در نتیجه تصادف از دست داده است، نمودار می‌شود.

بنابراین می‌توان گفت خسارت معنوی بر دو قسم است: ۱- زیان‌های وارده به حیثیت و شهرت و به طور خلاصه آنچه در زبان عرف سرمایه یا دارایی معنوی شخص است. ۲- لطمه به عواطف و ایجاد تألم و تأثر روحی که شخص با از دست دادن عزیزان خود و ملاحظه درد و رنج آنان می‌بیند. از سوی دیگر، یکی از مصادیق خسارات ناشی از نقض تعهدات قراردادی در کشورهای هدف تحریم، خسارت معنوی لطمه به شهرت تجاری شخص متعهد می‌باشد. بدون شک در عرصه تجارت معاملات تجاری نقض یک تعهد می‌تواند باعث نقض تعهدات بسیار دیگر شود و متعاقباً موجبات ورود خسارت به افراد دیگر را پدید آورد. این خسارات که همگی ذیل عنوان خسارات تبعی قابل شمارش می‌باشند، جلوه‌های متفاوت و متنوعی دارد؛ از فوت منافع متوقع قراردادی متعهد گرفته تا لطمه به حیثیت و آبروی تجاری وی. در قابلیت جبران فوت منافع متوقع قراردادی متعهد شاید تردید کمی وجود داشته باشد؛ چرا که اولاً این خسارت از نظر عرف مصداق واقعی ضرر دانسته می‌شود، ثانیاً دارای جنبه مالی است و ثالثاً مستقیماً در اثر نقض تعهد متعهد به وجود آمده و با قرارداد نقض شده پیوند ناگسستنی دارد؛ اما این شک و تردید در جبران خسارات ناشی از لطمه به حیثیت و آبروی تجاری متعهد بیشتر می‌شود؛ چرا که اولاً ماهیت این نوع خسارات عمدتاً معنوی است تا مالی و ثانیاً این نوع خسارت بیشتر به شخصیت تجاری متعهد پیوند دارد تا به قرارداد و تعهدات قراردادی ناشی از آن.

در ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری نیز آمده است: «ضرر و زبانی که قابل مطالبه است، به شرح زیر می‌باشد: ضرر و زیان معنوی که عبارت است از: کسر حیثیت و اعتبار اشخاص یا صدمات روحی.

همچنین ذیل ماده ۵۸ مجازات اسلامی مصوب ۱۳۵۸ آمده است: «...در موارد ضرر معنوی چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد، باید نسبت به اعاده حیثیت اقدام نماید».

از مجموعه مواد مزبور چنین استنباط می‌شود که خسارات وارده بر حیثیت و آبروی افراد یا اعتبار اجتماعی اشخاص از جمله خسارات معنوی است ولی بی‌تردید خسارات معنوی محدود به این‌ها نیست. صدمات عاطفی مانند بی‌توجهی غیرقابل تحمل که هر یک از زوجین به دیگری وارد می‌سازد یا آزردن فرزند در مقابل مادر یا پدر او یا بر عکس. بعضی لطمات روحی از قبیل تهدید یا ترساندن شخص یا دادن خبر ناگوار یا اهانت به معتقدات مذهبی و مقدسات اشخاص و امثال آن که معمولاً جنبه حیثیتی دارد و نه به اعتبار اجتماعی شخصی فرد خدشه وارد می‌سازد. همچنین تألمات جسمانی مانند شکنجه بدنی یا درد ناشی از ضرب و جرح و امثال آن از جمله مصادیق خسارات معنوی می‌باشد که در مواد قانون مورد عنایت قرار نگرفته است. کودک همسری نیز می‌تواند از مصادیق خسارت معنوی باشد.

لذا ضرر معنوی ممکن است به صورت‌های مختلف ظاهر شود. گاهی به صورت لطمه به حقوق مربوط به شخصیت همچون ضرری که بر شرف، اعتبار و آبروی شخص وارد می‌آید نظیر قذف، سب، تهمت و افتراء. گاهی به صورت درد جسمی که زیندیده از حادثه دچار آن می‌شود و یا به صورت اختلال

شخص و مبلغ دیگری را بر حسب میزان خسارت برای خسارت‌های وارد بر زیان‌دیده تعیین نمایند.

بنابراین، جبران کامل خسارت معنوی به این است که زیان‌دیده در شرایط قبل از وقوع خسارت قرار بگیرد و آنچه از دست داده به طور کامل بدست آورد. در صورتی که برای جبران خسارت معنوی، شیوه پرداخت پول و جبران مادی انتخاب شود، یعنی میزان خسارت و تقویم آن یکی از مسائل مهم و در عین حال مشکل است چراکه خسارت معنوی ماهیت غیرمالی دارد و سنجش امر غیرمالی به امر مالی مستلزم وجود یک معیار دقیق و قابل قبول است. در حالی که چنین معیاری در دسترس نیست و همین امر موجب شده است که برخی صاحب نظران در برخی از سیستم‌های حقوقی این قبیل خسارات را غیر قابل جبران اعلام کنند. اعاده کامل وضعیت زیان دیده در شرایط قبل از وقوع خسارت، کامل‌ترین روش جبران خسارت است که در بسیاری از موارد جبران خسارت معنوی اعمال این روش غیرممکن است ولی دادن معادل آن، خسارت اسمی و خسارت تنبیهی (کیفر خصوصی مالی) از روش‌هایی هستند که در غالب موارد خسارت معنوی اعمال آنها ممکن است. طبیعی است که هزینه‌های درمان، دادرسی و از کار افتادگی، بر ضرر و زیان‌هایی که مستقیماً از وقوع جرم ناشی می‌شوند، افزوده خواهد شد. لذا ضرورت جبران خسارت‌های وارد بر بزه دیده امری ضروری و مورد تایید عقل و شرع می‌باشد و اساساً یک سیاست جنایی واقع‌گرا نمی‌تواند نسبت به ضرر و زیان وارده بی‌تفاوت باشد.

لازم به ذکر است که دعاوی راجع به خسارات معنوی در محاکم قضایی ایران بسیار مهجور مانده و بیشتر قضات عنایت چندانی به اینگونه دعاوی نکرده‌اند و اگر هم مدعی آن را جدی

در حقوق ایران روش‌های جبران خسارت معنوی به دو گروه اصلی جبران‌های مالی و غیرمالی تقسیم می‌شوند. جبران مالی در اکثریت قریب به اتفاق موارد، مبلغی پول است که این مبلغ، گاه فقط جهت رضایت خاطر زیان‌دیده پرداخت می‌شود. اما در جبران‌های غیر مالی از روش‌های متعددی استفاده می‌شود. مثل حالتی که معلم از شاگرد خود سر کلاس عذرخواهی می‌کند و نظیر انتشار حکم محکومیت فاعل زیان، الزام به عذرخواهی در جرایم، توقف کار زینبار و از بین بردن منبع زیان. لذا یکی از اصول مهم حاکم بر روابط اجتماعی اصل ضرورت جبران زیان‌های وارده بر اشخاص به وسیله دیگران یا قاعده مسئولیت مدنی به معنای خاص است. هرگاه اقدامات مجرمانه سبب ایراد خسارت به حیثیت، شرافت، کرامت و آزادی نسبت به زیان‌دیده گردد و این امر (لطمه به حیثیت و آزادی و...) نیز سبب تحقق خسارت‌های مادی شود، در چنین صورتی، علاوه بر آنکه خسارت معنوی باید به نحو مناسب جبران گردد در صورت وجود رابطه سببیت، خسارت‌های مادی وارده نیز باید جبران شود.

در حقوق اسلامی پیش بینی دیه در صدمه‌های بدنی وسیله جبران خسارت مادی است و خسارت‌های معنوی ناشی از صدمه‌های بدنی به حکم قاعده لاضرر، به طور جداگانه بر حسب میزان زیان قابل جبران است. خسارت‌های مالی، مشمول قاعده جبران خسارت و مانند آن بوده و جبران آن بر حسب میزان خسارت با نظر کارشناس صورت می‌گیرد. در نتیجه نیاز به پیش بینی وجود ندارد و از سوی دیگر در مواردی که دیه پیش بینی شده هیچ گونه خسارت مالی منظور نیست. لازم است قانونگذار در یک متن قانون بر این امر تصریح نماید تا محاکم قضایی از بلا تکلیفی و سردرگمی موجود بیرون آیند و در احکام صادره دیه را برای صدمه بدنی

منابع

الف- کتابها

۱- ابولحمده، عبدالحمید (۱۳۴۹)، تحولات حقوق خصوصی زیر نظر ناصر کاتوزیان، مقاله‌ی مسئولیت مدنی دولت، تهران، دانشگاه تهران

۲- آخوندی، محمود (۱۳۸۶)، آیین دادرسی کیفری، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلد اول، چاپ دوازدهم

۳- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی

۴- صفایی، سیدحسین (۱۳۵۵)، مفاهیم و ضوابط جدید در قانون مدنی، انتشارات مرکز تحقیقات

۵- میشل، لوراسا (۱۳۷۵)، مسئولیت مدنی، ترجمه: محمد اشتری، نشر حقوقدانان

ب- مقاله‌ها

۶- آجری آیسک، عاطفه (۱۳۹۴)، دعاوی بازماندگان برای مطالبه خسارت معنوی ناشی از صدمات جسمانی، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتم، شماره ۹۶، صص ۳۶-۱۳

۷- ام‌اللهی، نیامهدیه؛ حبیبی تبار، جواد؛ هدایت نیا گنجی، فرج الله (۱۳۹۹)، خاستگاه‌های خسارت معنوی ناشی از کودک همسری در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران، نشریه مطالعات فقهی حقوقی زن و خانواده، شماره ۵، صص ۲۷-۸

۸- شهسواری، علی؛ سادات رضوی، فهیمه (۱۳۹۴)، خسارت معنوی در روابط زوجین و مسئولیت ناشی از آن، دو فصلنامه علمی ترویجی فقه و حقوق خانواده، سال بیستم، شماره ۶۲، صص ۱۷۱-۱۴۷

۹- لاله زاری، متین؛ دریائی، رضا؛ مقصودی پاشاکی، رضا (۱۳۹۸)، مطالعه مصداقی خسارت معنوی وارد به کودک در حقوق انگلیس و ایران، فصلنامه علمی پژوهشی تعالی حقوق، شماره ۵، صص ۱۸۰-۱۴۷

ج- پایان‌نامه‌ها

۱۰- اسدیپور، آریتا (۱۳۸۸)، تعیین خسارت معنوی ناشی از جرم، پایان‌نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، دانشکده حقوق و علوم سیاسی

۱۱- نجفی تیرتاشی، مریم (۱۳۹۳)، شیوه جبران خسارت در حقوق ایران و بیع بین المللی کالا (۱۹۸۰ وین)، پایان‌نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشگاه مازندران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی

بینند آن را به اغماض و چشم‌پوشی از دعاوی خود دعوت نموده‌اند و یا حداکثر موضوع را از طریق صلح و سازش فیصله داده‌اند. امروزه یکی از وظایف بسیار مهم دستگاه‌های قضایی، اجرایی و قانون‌گذاری کشور پر کردن خلاءهای ناشی از نارسایی قوانین و یا فقدان رویه‌های قضایی روشن و بالاخره نبودن ضمانت‌های اجرایی محکم در موارد مخدوش شدن حیثیت و اعتبارات شخصی و اجتماعی افراد و لگدمال شدن عواطف و احساسات انسان‌ها است. لذا قوه قضاییه و محاکم قضایی کشور باید با بنیاد نهادن رویه محکم و استوار، درخواست‌های راجع به خسارت معنوی را پذیرا شوند و بکوشند تا موجبات احقاق حق مربوط به افراد جامعه را در این قلمرو فراهم سازند. امید است در راستای حفظ حقوق بشر و شهروندی و با تدوین قوانین محکم و ایجاد رویه قضایی استوار شاهد احقاق حقوق تمامی افراد زیان‌دیده جامعه باشیم.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله عزیززاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.